

## روابط سیاسی رژیم صهیونیستی و کشورهای حوزه خلیج فارس

### و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

محمدرضا کمالی<sup>۱</sup>، امیرحسین الهامی<sup>۲</sup>، بابک نبی زاده<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۳

#### چکیده:

روابط کشورهای حاشیه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی دارای فراز و فرودهای فراوانی بوده و مسیری از تقابل تا ائتلاف و سازش را در پیموده است. به طور هم‌زمان، روابط تاریخی ایران و این رژیم شکلی معکوس داشت و از همکاری و دوستی در دوره پهلوی به خصم و دشمنی در دوره جمهوری اسلامی گرایید و انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ ایران را به‌عنوان مهم‌ترین درگیری هویتی رژیم صهیونیستی تبدیل کرد. پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا با بررسی روابط رژیم صهیونیستی و کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس بر اساس نظم کنونی، مختصات سیاسی آن را احصاء کرده و با برشمردن شاخص‌های آن، تأثیرات این روابط بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را مورد واکاوی قرار دهد. روش مورد استفاده ما تحلیل تماتیک یا مضمون خواهد بود. بر همین اساس با استفاده از حجم نمونه ۱۵ نفر و جامعه آماری متخصصان حوزه غرب آسیا و طی عملیات کدگذاری به‌صورت دستی و با استفاده از نرم‌افزار Nvivo مصاحبه‌ها تلخیص شده و مضامین آن استخراج شد. نتایج حاصله از پژوهش نشان می‌دهد اهداف رژیم صهیونیستی و اعراب خلیج فارس از عادی‌سازی روابط را می‌توان ذیل سه مضمون اصلی «ایجاد کمربند امنیتی در مقابل ایران، اهداف نظامی و تسهیل در فرایند سازش» صورت‌بندی کرد. در مقابل راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهدیدات امنیتی را ذیل سه محور «موازنه میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی، گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و افزایش توان نظامی و قدرت ملی» باید قرار داد.

**واژگان اصلی:** روابط سیاسی، فرایند سازش، تهدیدات منطقه‌ای، امنیت ملی، راهبرد دفاعی.

۱. استادیار دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران
۲. استادیار جغرافیای سیاسی گروه جغرافیا، محیط زیست و پدافند غیرعامل، پژوهشگاه امنیت داخلی، پژوهشگاه دفاع مقدس، تهران، ایران
۳. دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی نظامی، دانشکده دفاع ملی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران

## مقدمه

منطقه‌ی غرب آسیا به دلیل ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و اهمیت استراتژیک آن در تأمین انرژی جهان همواره یکی از کانون‌های مناقشه و نزاع در تاریخ معاصر جهان بوده است. این مسئله به‌ویژه با تأسیس غیرقانونی رژیم صهیونیستی توسط قدرت‌های غربی و ایجاد فضای حیاتی برای آن در درون سرزمین‌های مشروع فلسطینیان عمقی شدید به خود گرفت. کشورهای عربی به رهبری مصر در ابتدای این تأسیس غیرقانونی، جانب یکی از اعضای خود یعنی فلسطین را گرفتند و در مسیر حمایت خود از اقداماتی همچون جنگ، حمایت‌های ایدئولوژیک، مالی و لجستیکی از آرمان فلسطین دریغ نکردند. اما با گذشت زمان تغییراتی در روابط اعراب و رژیم صهیونیستی ایجاد شد و شکل اولیه تخاصم و دشمنی کم‌رنگ و در پاره‌ای از موارد از بین رفت و جای خود را به آشتی و مصالحه داد. بنابراین روابط رژیم صهیونیستی و کشورهای حوزه خلیج فارس در بستری از حرکات آونگی و فراز و نشیب‌های تاریخی قوام یافت.

به‌طور هم‌زمان، روابط ایران و رژیم صهیونیستی در مسیر عکس روابط این رژیم با اعراب قرار داشت. به دلیل حضور ایران عصر پهلوی در بلوک غرب و وابستگی آن به ایالات متحده، این کشور به همراه ترکیه از معدود کشورهای جهان اسلام بودند که رابطه مناسبی با رژیم صهیونیستی داشتند. همچنین در جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی ایران به‌عنوان کشوری مسلمان موضعی بی‌طرف گرفت که خود نشان‌دهنده نوع نگاه آن به این کشور بود. با این حال با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، صحنه روابط دو کشور دچار دگرگونی شد و جای خود را به دشمنی عمیق و تخاصم گسترده در منطقه غرب آسیا داد. این دگرگونی، مقارن با هراس و نگرانی پادشاهی‌های خلیج فارس از انقلاب اسلامی ایران بود و ذهنیتی مشترک، در مورد نگرانی‌های امنیتی مرتبط با جمهوری اسلامی ایران را میان رژیم صهیونیستی و کشورهای حوزه خلیج فارس به وجود آورد.

پژوهش حاضر نقطه عزیمت خود را تمرکز بر روابط اعراب و رژیم صهیونیستی و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران قرار داده است. به نظر می‌رسد پروژه عادی‌سازی روابط سیاسی کشورهای حوزه خلیج فارس با رژیم صهیونیستی به‌طور مستقیم ریشه در نگرانی‌های امنیتی آنان در مقابل قدرت‌یابی جمهوری اسلامی ایران و حامیان آن در منطقه دارد و از همین رو تحلیل ائتلاف‌ها و تقابل‌های منطقه‌ای، تنها در پرتو بررسی همه‌جانبه روابط چندگانه اعراب و رژیم صهیونیستی و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران امکان‌پذیر باشد. اگرچه این پژوهش می‌توانست حوزه‌های

چندگانه اقتصادی، فرهنگی، فناورانه، نظامی، تسلیحاتی و ... در روابط اعراب و صهیونیست‌ها را مورد توجه قرار دهد اما به دلیل محدودیت‌های پژوهش تنها بر روی وجه سیاسی عادی‌سازی روابط و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تمرکز خواهیم کرد تا از رهگذر آن به این پرسش پاسخ دهیم:

۱- اعراب و رژیم صهیونیستی به میانجی عادی‌سازی روابط سیاسی خود در منطقه غرب آسیا چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟.

۲- الگوی راهبردی جمهوری اسلامی ایران در جهت تأمین منافع ملی خود در قبال این تحولات چگونه باید باشد؟.

### پیشینه شناسی پژوهش

به‌طور مشخص آثار بسیار اندکی وجود دارد که متغیرهای مورداستفاده در مقاله‌ی حاضر (عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی و راهبردهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا) را در ترکیب با یکدیگر مورد بررسی قرار داده باشند. باین‌حال، کتب و مقالاتی به رشته تحریر درآمده است که به لحاظ حوزه پژوهش و داده‌های مورداستفاده تا حدودی با پژوهش ما ارتباط پیدا می‌کنند. در ادامه به معرفی برخی از این آثار پژوهشی و مهم‌ترین یافته‌های آنان می‌پردازیم.

جدول شماره ۱: خلاصه مطالعات مرتبط با موضوع رابطه سیاسی اعراب و رژیم صهیونیستی

و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران

| نویسندگان   | عنوان مطالعه   | مهم‌ترین یافته‌ها  |
|---|--|--|
| کلیو جونز <sup>۱</sup> ، یوئل گوزانسکی <sup>۲</sup><br>۲۰۲۰ | دشمنی‌های برادروار: رژیم صهیونیستی و پادشاهی‌های خلیج <sup>۳</sup> | نویسندگان کتاب معتقدند روابط رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس که در سال-های اخیر شکلی مشهود به خود گرفته است، برای کارشناسان و ناظران تخصصی منطقه غرب آسیا امر جدیدی نیست. روابط دیپلماتیک در سطوح پایین |

<sup>1</sup> Clive Jones

<sup>2</sup> Yoel Gozansky

<sup>3</sup> Fraternal Enemies: Israel and the Gulf Monarchies

|   |  |   |
|---|--|---|
| <p>میان قطر و عمان با رژیم صهیونیستی پس از توافقنامه اسلو در سال ۱۹۹۳، روابط دوستانه شیخ عبدالله بن زاید با سران رژیم صهیونیستی به‌رغم عدم وجود روابط رسمی و حتی گفتگوهای پنهانی عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی تنها نمونه‌هایی از این روابط پنهانی بوده‌اند. از نظر نویسندگان کتاب، عامل اصلی در این پیوند، خشی کردن جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بوده است و به نظر می‌رسد این روابط به‌رغم اختلافات کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی در بسیاری از حوزه‌ها، سرانجام به شکل‌گیری نظم جدید منطقه - ای در غرب آسیا منجر شده و نوعی کمربند امنیتی بر علیه ایران ایجاد کند.</p>                           |  |   |
| <p>از نظر نویسنده این کتاب، تاریخ رژیم صهیونیستی مدرن تاریخی پرمناقشه است و همواره روایت‌ها و ضد روایت‌های ایدئولوژیک بر آن سیطره داشته است. در این کتاب تلاش شده است تا درگیری اعراب و رژیم صهیونیستی را از ابتدا تاکنون ریشه‌یابی کند. این بازگشت به ریشه‌ها به نویسنده کمک کرده است تا نتیجه بگیرد که سیاست‌های تمامی طرف‌های درگیر این مناقشه ( ایالات متحده، رژیم صهیونیستی و اعراب) عمدتاً محصول افسانه‌هایی است که غالباً غلط بوده‌اند. برای نمونه رفتار رژیم صهیونیستی‌ها با فلسطینیان پس از سال ۱۹۴۸ هیچ‌گاه بر اساس دموکراسی نبوده و یا این استدلال که کشورهای عربی برای دهه‌ها از مذاکره با رژیم</p> | <p>اسطوره‌های بدون پایان: ایالات متحده، رژیم صهیونیستی و منازعه جهان عرب (۱۹۱۷-۲۰۲۰)<sup>۲</sup></p> | <p>جرمی اسلاتر<sup>۱</sup><br/>۲۰۲۰</p> |

<sup>۱</sup> Jerome Slater

<sup>۲</sup> Mythologies Without End: The US, Israel, and the Arab-Israeli Conflict, 1917-2020

|  |   |                                       |
|--|---|---------------------------------------|
| <p>صهیونیستی خودداری می کرده‌اند، افسانه‌های بیش نبوده است. در نتیجه او معتقد است مسیری که اکنون برای نزدیکی هرچه بیشتر رژیم صهیونیستی و اعراب در حال طی شدن است از مسیر تکذیب بسیاری از این اسطوره‌ها می‌گذرد. به عبارت دیگر با اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر واقع‌گرایی است که می‌توان امیدوار به حل منازعه اعراب و رژیم صهیونیستی بود.</p>   |   |                                       |
| <p>با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ در ایران، یکی از بزرگ‌ترین تغییرات در ساختار قدرت در منطقه غرب آسیا اتفاق افتاد و ایالات متحده یکی از متحدان اصلی خود در منطقه را از دست داد. از آن زمان تاکنون ایالات متحده آمریکا و متحدانش یعنی عربستان سعودی، امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی در جنگ قدرت با ایران در مورد کنترل غرب آسیا هستند. نویسنده این کتاب معتقد است به‌ویژه از سال ۲۰۱۸ و پس از خروج آمریکا از برجام و نیز درگیر شدن روزافزون ایران در جنگ‌های نیابتی منطقه‌ای در سوریه و یمن، تنش میان ایران و متحدان منطقه‌ای ایالات متحده آمریکا به اوج رسیده است و در نتیجه یکی از عوامل نزدیکی هرچه بیشتر اعراب و رژیم صهیونیستی از دریچه قدرت گرفتن جمهوری اسلامی ایران در منطقه و حضور فعالانه نظامی آن قابل بررسی است.</p> | <p>نمایش ایالات متحده آمریکا، رژیم صهیونیستی و کشورهای حوزه خلیج فارس به‌عنوان دشمنان ایران موفقیت‌آمیز بوده است؟<sup>۲</sup></p> | <p>تیم ولترز<sup>۱</sup><br/>۲۰۲۱</p> |

<sup>1</sup> Tim Wolters

<sup>2</sup> The Depiction of USA, Israel and the Gulf States as Enemies from Iran: Has it been successful?

|  |   |  |
|--|---|--|
| <p>نویسنده این کتاب معتقد است پس از بهار عربی در سال ۲۰۱۱ رویدادهای متناقض و متفاوتی رخ داد که زمینه را برای تغییر ترتیبات امنیتی و ائتلاف‌های موجود در کشورهای حوزه خلیج فارس شامل شش کشور شورای همکاری خلیج فارس به همراه ایران و عراق فراهم کرد. آشوب‌های سیاسی-اقتصادی ناشی از خیزش‌های سال ۲۰۱۱، ظهور دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، جنگ نیابتی ایران و عربستان در یمن، جنگ نیابتی ایران و رژیم صهیونیستی در سوریه، قطع رابطه چهار کشور عربی با قطر تنها بخشی از تحولاتی بود که غرب آسیا در این دوره از سر گذراند. بنابراین به نظر می‌رسد امنیت در خلیج فارس با پویایی‌های جدیدی روبه‌رو خواهد شد و شبکه‌های ائتلاف‌ها و تقابل‌های منطقه‌ای وارد فاز جدیدی خواهد شد که با گذشته متفاوت است.</p> | <p>تغییر دینامیک امنیتی خلیج فارس<sup>۲</sup></p>                               | <p>کریستن کوئس-الریشن<sup>۱</sup><br/>۲۰۱۸</p> |
| <p>مهم‌ترین عاملی که به همگرایی رژیم صهیونیستی و برخی از کشورهای منطقه منجر شده است نگرانی‌های امنیتی مشترک رژیم صهیونیستی و اعراب در قبال ایران و نیز پیشبرد بهتر منافع ملی بوده است تا جایی که از شکل‌گیری غرب آسیا جدید سخن به میان آمده است. با این حال نویسندگان مقاله معتقدند گرچه این توافقات و گسترش دامنه آن به دیگر کشورهای عربی می‌تواند موجب کاهش تنش‌های منطقه‌ای و ارتقاء ضریب امنیتی برای رژیم صهیونیستی شود اما تاریخ نشان داده است که این-</p>  | <p>چشم‌انداز صلح غرب آسیا در سایه عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و جهان عرب</p> | <p>محمدرضا ملک‌ی-محمدرضا ابراهیمی<br/>۱۳۹۹</p> |

<sup>1</sup> Kristian Coates Ulrichsen

<sup>2</sup> The Changing Security Dynamics of the Persian Gulf

|   |   |  |
|---|---|--|
| گونه توافقات نمی‌تواند به حل نهایی قضیه فلسطین کمک کند مادام که طرفین اصلی مناقشه، رژیم صهیونیستی و فلسطین بر موضع همیشگی خود « همه‌یاهیچ» تأکید ورزند.   |   |  |
| یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که: ۱. گسترش مرجعیت نظامی جمهوری اسلامی ایران در منطقه به‌ویژه در پسا داعش ۲- نبود وابستگی صرف به امریکا به‌ویژه در زمینه نظامی و امنیتی ۳- رقابت‌های شدید امیر دویی و ابوظبی بر سر سیاست‌گذاری آینده امارات ۴- مزایای اقتصادی صهیونیست‌ها از حضور در امارات (نفت، استفاده از پایگاه‌های نظامی امارات و فروش تسلیحات نظامی) ۵- موفقیت ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری امریکا از دلایل شکل‌گیری ائتلاف راهبردی امارات و رژیم صهیونیستی است. | تأثیر ائتلاف راهبردی امارات و رژیم صهیونیستی بر امنیت خلیج فارس | عبدالرضا علیشاهی-یونس<br>فروزان-حمید سلیمانی<br>سوجلمائی<br>۱۳۹۹ |

با توجه به یافته‌های آثار فوق، سهم ویژه پژوهش حاضر در گسترش دانش، شناخت تأثیرات امنیتی روابط سیاسی رژیم صهیونیستی و اعراب بر امنیت ملی ایران است که تاکنون با این جامعیت به آن پرداخته نشده است. همچنین نظرخواهی از نخبگان در قالب مصاحبه، بداعت دیگر این مقاله است تا با استفاده از آن بتوان به گردآوری، دسته‌بندی و استفاده از شاخص‌های مرتبط با امنیت ملی ایران در رابطه با مناسبات اعراب و رژیم صهیونیستی دست یافت.

### مبانی نظری

چشم‌انداز نظری مورد استفاده در این پژوهش برای تبیین نزدیکی اعراب و رژیم صهیونیستی و دیگری سازی از جمهوری اسلامی ایران، «نظریه موازنه تهدید»<sup>۱</sup> از «استفان والت»<sup>۲</sup> خواهد بود. بر اساس نظریه توازن تهدید، کشورها نه تنها در برابر قدرت، بلکه در برابر کشورهای موازنه ایجاد می‌کنند که

<sup>۱</sup> Threat balance theory

<sup>۲</sup> Stephen M. Walt

برایشان به شکل خاصی خطرناک جلوه می‌کند (دهقانی فیروزآبادی و مرادی، ۱۳۹۵: ۲۹). به گفته والت تهدید از قدرت کلی، مجاورت جغرافیایی، قدرت آفندی و نیات تجاوزکارانه تشکیل می‌شود (Sagar and Sabl, 2018: 90). قدرت کلی همان مجموع منابع کشور است؛ کشوری که منابع بیش‌تری داشته باشد می‌تواند تهدید جدی‌تری از کشوری که منابع کم‌تری دارد مطرح سازد. مجاورت جغرافیایی از این‌رو اهمیت دارد (در صورت برابر بودن سایر شرایط) که کشورهای نزدیک، اغلب تهدیدکننده‌تر از کشورهای دور هستند. قدرت آفندی، توانای یک دولت برای تهدید کردن حاکمیت یا تمامیت سرزمینی دولت دیگر با هزینه‌ای قابل قبول است. درنهایت، دولت‌هایی با نیات آشکار تجاوزطلبانه، مخالفین بیشتری نسبت به آنان که ترجیحاً در پی حفظ وضع موجود هستند، خواهند داشت (Walt, 2010: 11).

دولت‌ها در مقابل منبع اصلی خطر یا به موازنه‌سازی روی می‌آورند و یا اینکه سیاست همراهی با دولتی که تهدید اصلی را اعمال می‌کند در پیش می‌گیرند؛ بنابراین، این دو فرضیه، دو تصویر کاملاً متفاوت را ترسیم می‌کند: ۱-سیاستی که به دنبال تبعیت و پیروی از منشأ تهدید است؛ ۲-سیاست توازن با منبع تهدید. در ساده‌ترین حالت، خط‌مشی توازن، امنیت بیشتری را برای دولت‌ها ایجاد می‌کند، چراکه عامل تهدید با مقابله‌ی اتحادی از دولت‌ها مواجه خواهد شد (Walt, 1987: 4). بر این اساس اتحادها معمولاً رایج‌ترین چشم‌انداز در واکنش به تهدیدات محسوب می‌شوند. همچنین اتحادها ابزاری هستند که برای مقابله با تهدیدات خارجی که توزیع توانایی‌های نسبی را میان دولت‌ها در بردارند و در بسیاری از موارد به صورت یک سازوکار تعادل‌بخش و موازنه دهنده عمل می‌کنند (Rodriguez, 2021: 131).

پژوهش حاضر با مبنا قرار دادن نظریه موازنه تهدید والت، تلاش خود را بر روی تجزیه و تحلیل مختصات برقراری روابط اعراب و رژیم صهیونیستی در مقابل تصور تهدیدات احتمالی از سوی جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت قرار داده که مجموعه‌ی کشورهای فوق را به فکر ایجاد موازنه در مقابل قدرت ایران و متحدان منطقه‌ای آن انداخته است. این موازنه‌سازی می‌تواند به لحاظ امنیتی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، فناورانه، محیط‌زیستی و ... تبعاتی برای جمهوری اسلامی ایران داشته باشد و فضای حیاتی کشورمان را در منطقه غرب آسیا تحت‌الشعاع قرار دهد. در نتیجه، توجه به پژوهش‌های مرتبط با موضوع حاضر، از اهمیتی مضاعف برخوردار می‌شود.



## تبارشناسی رابطه اعراب و رژیم صهیونیستی؛ از ستیز تا سازش

اعلامیه استقلال رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ که ماحصل توافقات پشت پرده قدرت‌های جهانی با محوریت بریتانیا بود آتش اختلافات در منطقه پر چالش غرب آسیا را شعله‌ورتر کرد. پس از این حادثه، ارتش‌های مصر، لبنان، سوریه، اردن و عراق در جهت بازپس‌گیری اراضی اشغالی حمله خود را آغاز کردند اما نتیجه برخلاف انتظار بود و رژیم صهیونیستی توانست علاوه بر سرزمین‌های اشاره‌شده در اعلامیه استقلال، کرانه باختری رود اردن و نوار غزه را نیز به شکل نامشروعی به خود الحاق کند. در طی جنگ، مهاجرت اجباری و قتل‌عام فلسطینیان به امری عادی تبدیل شد و سرانجام این جنگ با امضای توافقنامه آتش‌بس بین رژیم صهیونیستی و هریک از همسایگان عرب آن به پایان رسید (Jones and Guzansky, 2020: 27-29).

در سال ۱۹۵۶ مصر تلاش کرد تا شکست پیشین اعراب را جبران کند و به‌نوعی به بازآفرینی روحیه پان‌عربیسم اعراب اقدام کند. اما این بار نیز رژیم صهیونیستی با حمایت نظامی انگلستان و فرانسه ضربه سختی به مصر وارد کرد و صحرای سینا را به تصرف خود درآورد. یازده سال بعد یعنی در سال ۱۹۶۷، مصر بار دیگر تلاش کرد تا شانس خود را برای تضعیف رژیم صهیونیستی و عقب‌راندن آن از سرزمین‌های عربی امتحان کند. در همین راستا اردن و سوریه نیز به مصر پیوستند و نیروهای خود را در مرز با رژیم صهیونیستی سازمان‌دهی کردند. همچنین کشورهای عراق، عربستان سعودی، تونس، سودان، مراکش، الجزایر، لیبی و کویت نیز به رژیم صهیونیستی اعلام جنگ داده و با اعزام نیروهای کمکی به یاری مصر، اردن و سوریه شتافتند (Smith, 2004: 198). در مقابل نیروی هوایی رژیم صهیونیستی در یک حمله غافلگیرانه بیشتر نیروی هوایی مصر را منهدم کرد و توانست در پایان جنگ کنترل کامل شبه‌جزیره سینا، نوار غزه کرانه باختری (از جمله بیت‌المقدس شرقی) مزارع شبایا و بلندی‌های جولان را به دست آورد. نتایج این جنگ تا به امروز بر ژئوپلیتیک منطقه تأثیرگذار است.

پس از پایان جنگ به‌اصطلاح شش‌روزه، سران عرب در خارطوم پایتخت سودان گرد هم آمدند تا موضع خود در قبال رژیم صهیونیستی را هماهنگ کنند. آنان در این نشست به توافق رسیدند که تا حل مسئله فلسطین و عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی از سرزمین‌های عربی این کشور نباید ا-به رسمیت شناخته شود؛ ۲- با این کشور پیمان صلحی برقرار کرد و ۳- با آن مذاکره کرد. اما آنچه در میدان عمل اتفاق افتاد در تعارض با توافقات این نشست بود (Morris, 2001: 316-318). پس از آن‌که آخرین

تلاش‌های مصر و سوریه با حمایت برخی از کشورهای عربی در جنگ موسوم به «یوم کپور»<sup>۱</sup> به شکست انجامید، مصر به میانجی ایالات متحده با امضای قرارداد کمپ دیوید در سال ۱۹۷۹ به اولین کشور عربی تبدیل شد که رژیم صهیونیستی را به رسمیت می‌شناخت. همچنین اردن نیز در سال ۱۹۹۴ به‌عنوان دومین کشور عربی با امضای قرارداد صلحی به اختلافات خود با این کشور پایان داد.

برای سالیان متمادی، پادشاهی‌های خلیج فارس رویکرد دووجهی «آشکار و نهان» را در رابطه خود با رژیم صهیونیستی برگزیدند. از طرفی آرمان فلسطین و آزادسازی قدس شریف از چنگال صهیونیستی‌ها به‌قدری در دنیای عرب ریشه‌های قوی و سترگی داشت که هیچ‌کس نمی‌توانست به‌راحتی به آن پشت کند زیرا همگان سرنوشت سادات را پس از امضای قرارداد صلح کمپ دیوید به یاد داشتند و سران عرب خلیج فارس نیز از این قاعده مستثنا نبودند. از سوی دیگر اینکه رژیم صهیونیستی برای دهه‌ها با بازیگران مختلف دولتی و غیردولتی در سرتاسر منطقه غرب آسیا ارتباط داشت بر کسی پوشیده نبود.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، نظم قدیمی در منطقه غرب آسیا فرو ریخت و ائتلاف‌های منطقه‌ای سمت‌وسوی متفاوتی به خود گرفت. قدرت گرفتن یک دولت شیعی ضد غربی و ترس از الگوبرداری از انقلاب اسلامی ایران برای حاکمان عرب حوزه خلیج فارس امری ناخوشایند بود و از همان ابتدا تلاش کردند تا با سلسله اقداماتی که اوج آن حمایت از رژیم بعثی عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران بود باعث تضعیف آن شوند. به شکل مشابهی رژیم صهیونیستی نیز از تشکیل دولت اسلامی در مرزهای خود در هراس بود و سقوط پهلوی به‌نوعی فرو ریختن یکی از دیوارهای بلند حمایتی از رژیم صهیونیستی بود. در اندیشه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) نیز رژیم صهیونیستی به‌عنوان غده سرطانی و غاصب سرزمین مسلمانان مطرح بود که باید «برادران فلسطینی هرچه زودتر این ماده فساد را نابود گردانند و ریشه استعمار را در منطقه قطع کنند». بنابراین از همان ابتدا نوعی تقابل معرفتی میان جمهوری اسلامی ایران و این رژیم شکل گرفت.

به‌طور مشخص از سال‌های ابتدایی هزاره‌ی جدید میلادی و با قدرت گرفتن برخی گروه‌های منطقه‌ای مورد حمایت ایران و افزایش فعالیت‌های جمهوری اسلامی در غرب آسیا، تماس‌ها و همکاری‌های نظامی-اطلاعاتی میان اعراب و رژیم صهیونیستی در جهت مقابله با اقدامات ایران افزایش یافت. باین‌حال در سال‌های اخیر بود که مسائل و دغدغه‌های امنیتی باعث شد تا کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی روابط پشت پرده خود را تا حدودی علنی کنند (Time, 2009). دور جدیدی از اقدامات

<sup>1</sup> Yom Kippur

برای حل مسئله فلسطین و به تبع آن عادی سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی در دوره باراک اوباما<sup>۱</sup> شکل گرفت و مذاکرات مستقیمی میان نمایندگان رژیم صهیونیستی و فلسطین در کاخ سفید انجام شد که به دلیل کارشکنی طرف صهیونیستی به نتیجه نرسید. با روی کار آمدن دونالد ترامپ<sup>۲</sup> و ارائه طرحی موسوم به «معامله قرن»<sup>۳</sup> تلاش‌ها برای عادی سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی جدی تر شد. جرد کوشنر<sup>۴</sup> مشاور ارشد ترامپ در تشریح مختصات این طرح به شکل مشهودی اعلام کرد که این طرح به عنوان کمکی برای ایجاد ثبات در منطقه و تضعیف نفوذ ایران خواهد بود (The Saban Forum, 2017: 10-12). اگرچه به دلیل نگاه خصمانه طرف رژیم صهیونیستی و نیز برخی اقدامات ترامپ از جمله به رسمیت شناختن بیت المقدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی، پیشرفتی در حل مسئله فلسطین ایجاد نشد اما در گسترش روابط برخی از کشورهای عرب خلیج فارس و رژیم صهیونیستی پیشرفت‌هایی حاصل شد. امری که در ادبیات روابط بین الملل به «اتحاد کشورهای عربی - رژیم صهیونیستی علیه ایران»<sup>۵</sup> معروف گشته است. یکی از مهم ترین تحولات پیرامون این مسئله، برگزاری کنفرانس ورشو<sup>۶</sup> در فوریه سال ۲۰۱۹ در لهستان بود. بر اساس اعلامیه رسمی این نشست، موضوعات اصلی این رویداد عبارت بودند از: تروریسم و افراط گرایی، مسائل موشکی، تجارت و امنیت دریایی و تهدید گروه‌های نیابتی در منطقه غرب آسیا. در این نشست مایک پمپئو<sup>۷</sup> وزیر امور خارجه وقت ایالات متحده اعلام کرد که هدف از این کنفرانس توجه به نفوذ ایران و تروریسم در منطقه است. کنفرانس ورشو با توجه به درگیری‌های نیابتی ایران و رژیم صهیونیستی و نیز ایران و عربستان سعودی به زمینه سازی نیمه رسمی ایجاد پیمان میان اعراب و رژیم صهیونیستی علیه ایران منجر شد (Middle East News, 2019).

تحول مهم بعدی به توافقنامه آبراهام<sup>۸</sup> یا ابراهیم بازمی گردد که به مجموع توافقات در مورد عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی با امارات متحده عربی و بحرین اطلاق می شود. این توافقنامه، اولین بیانیه عادی سازی روابط بین یک کشور عربی و رژیم صهیونیستی از زمان مصر در سال ۱۹۷۹ و اردن در

<sup>1</sup> Barack Obama

<sup>2</sup> Donald Trump

<sup>3</sup> Deal of the Century

<sup>4</sup> Jared Kushner

<sup>5</sup> Arab states–Israeli alliance against Iran

<sup>6</sup> Warsaw Conference

<sup>7</sup> Mike Pompeo

<sup>8</sup> Abraham Accords

سال ۱۹۹۴ بود. به تبع این پیمان، دولت ترامپ در ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰، به کنگره این کشور خبر داد که با فروش تسلیحات پیشرفته به امارات، به عنوان بخشی از توافقنامه صلح آبراهام، موافقت نموده و سنای آمریکا نیز از فروش تسلیحات نظامی به این کشور، از جمله جنگنده‌های اف-۳۵ و پهبادهای پیشرفته، به ارزش ۲۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار حمایت کرد (Halbfinger, 2020: 1-4).

### روش‌شناسی

در این مقاله باهدف تأثیر پروژه عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و اعراب خلیج فارس و تبیین الگویی راهبردی برای تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در قبال این تحولات در پی پاسخ به سؤالات ذیل بوده‌ایم:

- ۱- اعراب و رژیم صهیونیستی به میانجی عادی‌سازی روابط سیاسی خود در منطقه غرب آسیا چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟
- ۲- الگوی راهبردی جمهوری اسلامی ایران در جهت تأمین منافع ملی خود در قبال این تحولات چگونه باید باشد؟

در ابتدا در مطالعه اکتشافی با الهام از روش تحلیل مضمون و با روش کتابخانه‌ای همراه با استفاده از ابزار فیش‌برداری، آرشیو، کتاب، مقالات و اینترنت جهت تهیه ادبیات موضوع، مفاهیم کلیدی در ادبیات نظری پیرامون کلیدواژه‌هایی مانند تحولات سیاسی، روابط سیاسی، معمای امنیت، اهداف رژیم صهیونیستی و اهداف کشورهای حوزه خلیج فارس، پیامدهای تحولات منطقه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و سناریوهای محتمل آینده این تحولات مطالعه و جمع‌آوری شد. سپس این داده‌ها در قالب هفت پرسش دسته‌بندی شد و با استفاده از روش مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته در اختیار متخصصان حوزه منطقه غرب آسیا قرار گرفت.

### نوع تحقیق

این تحقیق از بعد هدف کاربردی-توسعه‌ای است.

### جامعه آماری

جامعه آماری موردپژوهش شامل ۱۵ نفر از متخصصان حوزه مطالعات غرب آسیا که همه آنان دارای مدرک دکتری یا دانشجوی دکتری در حوزه مطالعات منطقه‌ای هستند، بود. در انتخاب این افراد تلاش شد تا صرف داشتن مدرک مرتبط مورد استناد قرار نگیرد و آنان از میان افرادی انتخاب شوند که

دارای پژوهش‌ها و تألیفات علمی قابل استناد در این حوزه و سابقه کار عملی در حوزه سیاست‌گذاری امنیتی باشند. از همین رو سؤالات مصاحبه در اختیار آنان قرار گرفت و داده‌ها با ترکیبی از مراجعه حضوری و از طریق اینترنت جمع‌آوری شد.

### ابزار سنجش و روش جمع‌آوری داده‌ها

برای تحلیل داده‌های مستخرج از مصاحبه‌ها از روش تحلیل تماتیک یا مضمون<sup>1</sup> استفاده شده است. تحلیل مضمون جستجوی مضامینی است که برای تحلیل پدیده مورد مطالعه مهم هستند و بنابراین نوعی بازشناسی الگوی درون داده‌هاست. به عبارت دیگر این روش فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Braun and Clarke, 2006: 87). این مضامین به ما کمک خواهند کرد تا راهبردهای امنیتی مرتبط با منافع ملی از لابه‌لای گفتگوها استخراج شده و به شکل واضح و شفاف در اختیار سیاست‌گذار و پژوهشگران این حوزه قرار گیرد. برای سنجش روایی تحقیق حاضر، علاوه بر اینکه مضامین فرعی و اصلی و فراگیر بر اساس مبانی نظری و پیشینه مورد سنجش قرار گرفته‌اند، تلاش شده تا نظرات جمعی از خبرگان در این مورد لحاظ شود. همچنین در این تحقیق برای محاسبه پایایی از روش هولستی استفاده شده است. در این روش متون در دو مرحله کدگذاری می‌شوند. سپس با استفاده از فرمول زیر درصد توافق مشاهده شده محاسبه می‌شود:

$$PAO = 2M / (N1 + N2)$$

در فرمول فوق  $M$  تعداد موارد کدگذاری مشترک بین دو کدگذار می‌باشد.  $N1$  و  $N2$  به ترتیب تعداد کلیه موارد کدگذاری شده توسط کدگذار اول و دوم است. مقدار  $PAO$  بین صفر (عدم توافق) و یک (توافق کامل) است و اگر از  $7/0$  بزرگ‌تر باشد مطلوب می‌باشد. این شاخص برای تحقیق حاضر به صورت زیر است:

$$PAO = (2 * 892) / (915 + 1021) = 0/921$$

با توجه به نتیجه فرمول، مقدار ضریب پایایی حدود ۹۲ درصد شد که نشان می‌دهد نتایج این تحقیق قابلیت اعتماد زیادی دارد.

### یافته‌های پژوهش

<sup>1</sup> Thematic analysis

طی فرایند کدگذاری داده‌های متنی مصاحبه متخصصان حوزه غرب آسیا ابتدا مفاهیم استخراج شد. سپس این مفاهیم در قالب مضامین فرعی دسته‌بندی و در نهایت مضامین فرعی به مضامین اصلی تقلیل پیدا کردند. در مورد اهداف رژیم صهیونیستی و اعراب حوزه خلیج فارس در برقراری رابطه و عادی-سازی مناسبات سه مضمون اصلی «اهداف نظامی، ایجاد کمربند امنیتی در مقابل جمهوری اسلامی ایران و ایجاد تسهیل در فرایند سازش» به دست آمد.

جدول شماره ۲: مضامین اصلی مرتبط با اهداف رابطه سیاسی اعراب و رژیم صهیونیستی

| مضامین اصلی                                      | تعداد کدها |
|--|------------|
| ایجاد کمربند امنیتی در مقابل جمهوری اسلامی ایران | ۲۳         |
| اهداف نظامی                                      | ۱۸         |
| تسهیل در فرایند سازش                             | ۱۷         |
| جمع  | ۵۸         |

با نظرخواهی از متخصصان حوزه مطالعات منطقه‌ای به نظر می‌رسد ایجاد کمربند امنیتی و ائتلاف در جهت تضعیف جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین عامل در جهت عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی بوده است. این مسئله به‌ویژه با توجه به جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و پیروزی-های محور مقاومت دارای پیامدهای امنیتی مهمی است و به نظر می‌رسد در مقطع کنونی، کشورهای فوق، باهدف قرار دادن امنیت ملی ایران، سعی در تضعیف جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و نیز اقدامات بعدی به تبع آن می‌باشند. این مسئله به‌ویژه به موازات ترس اعراب و رژیم صهیونیستی از عقب-نشینی ایالات متحده از منطقه غرب آسیا و ایجاد خلأ امنیتی برای آنان شکلی برجسته‌تر یافته است. اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر عدم وابستگی به کشورهای غربی و شرقی و ابرقدرت‌هاست نوعی قدرت ملی برای آن ایجاد کرده است که به شکل متناقضی باعث ایجاد هراس و ترس در میان برخی از همسایگان خود شده است و ائتلاف‌سازی فوق که هسته‌ی آن را مقابله بانفوذ ایران شکل می‌دهد، در همین راستا خواهد بود. این کشورها با توجه به ذهنیت اشتباه خود، حل معمای امنیت منطقه غرب آسیا را در افزایش قدرت نظامی از طریق فرایند ائتلاف‌سازی می‌بینند، حال آنکه چنین اقداماتی آتش اختلافات را شعله‌ورتر کرده و به عمیق شدن اختلافات در منطقه خواهد انجامید.

جدول شماره ۳: مضامین استخراجی از مصاحبه با متخصصان منطقه غرب آسیا در مورد اهداف اعراب و

### رژیم صهیونیستی از عادی سازی روابط

| عبارت معنایی   | مفهوم   | تم‌های اصلی                                       |
|--|---|---|
| یکی از راه‌های اطمینان یابی از بیشینه‌سازی قدرت رژیم صهیونیستی، اتحاد و همکاری نظامی این کشور با اعراب است / رژیم صهیونیستی همواره خود را کشوری حاشیه‌ای در منطقه می‌دید و به همین دلیل افزایش مراودات نظامی با کشورهای عربی خلیج فارس را راهی برای بیرون آمدن از حاشیه و وارد شدن به متن می‌داند. / یکی از اصول امنیتی اعراب خلیج فارس خریداری سلاح‌های مدرن از کشورهای غربی و به‌خصوص آمریکا است. به نظر من یکی از اهداف عادی‌سازی روابط این کشور با رژیم اشغالگر قدس می‌تواند تسهیل در خرید سلاح‌های پیشرفته و افزایش قدرت نظامی آن‌ها باشد/ به نظر می‌رسد دو طرف نسبت به خلق این موقعیت برای عادی‌سازی رابطه تمایل زیادی دارند و یکی از اهداف هر دو طرف افزایش قدرت نظامی آنان است/ اعراب می‌توانند از تکنولوژی‌های نظامی و فنی رژیم صهیونیستی استفاده کنند و در مقابل رژیم صهیونیستی می‌تواند از انزوا در منطقه خارج شود و به‌مرور نقش فعالانه‌تری در مناسبات منطقه ایفا کند. نقشی که به نظرم تا الان بیشتر نظامی بوده است. | افزایش قدرت نظامی با ایجاد روابط سیاسی / خروج از انزوای سیاسی با مراودات نظامی - تسلیحاتی / تسهیل در انعقاد قراردادها - تسلیحاتی / تمایل به ایجاد رابطه باهدف افزایش قدرت نظامی / ایجاد فرصت‌های نظامی - استراتژیک به میانجی عادی - سازی روابط. | <b>اهداف نظامی</b>                                |
| نگرانی‌های منطقه‌ای درباره اهداف جمهوری اسلامی ایران در منطقه نقشی کلیدی در تصمیمات کشورهای عرب خلیج فارس برای به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی و عادی کردن مناسبات خود با این کشور ایفا کردند/ بحرین و امارات با عادی کردن مناسبات خود با رژیم صهیونیستی به دنبال نوعی تضمین امنیتی برای بلندمدت برای خود در مقابل ایران بودند. / توافق   | نگرانی مشترک از نقش منطقه‌ای ایران / اخذ تضمین امنیتی بلندمدت در برابر ایران / افزایش سطح تنش‌ها در منطقه با ایران /  | <b>ایجاد کمربند امنیتی در مقابل جمهوری اسلامی</b> |

|   |   |   |
|---|---|---|
| <p>نگرانی از تهدید ایران به متابه هسته اصلی عادی سازی روابط / موازنه سازی علیه ایران. / نگاه بلندمدت به امنیت در غیاب ترامپ. / ایجاد ائتلاف منطقه ای و نظم نوین علیه ایران.</p> | <p>بحرین و امارات با رژیم صهیونیستی اگرچه آرایش جدید در موازنه قوای منطقه ای ایجاد خواهد کرد اما به طور هم زمان سطح تنش ها در منطقه به ویژه با ایران را دوچندان خواهد کرد و مسابقه تسلیحاتی سنگینی شکل خواهد گرفت. / هسته این نزدیکی و اتحاد میان اعراب خلیج فارس و رژیم صهیونیستی که البته به نظر من چیز جدیدی نیست به واقع حس نگرانی و تهدید مشترک نسبت به ایران و گامی در جهت پر کردن خلأ در منطقه به دلیل عقب نشینی آمریکا در برخی از بحران های منطقه ای است. / از نظر کشورهای حاشیه خلیج فارس، رژیم صهیونیستی گزینه مناسبی برای جلوگیری از کاهش نقش ایالات متحده در منطقه و همچنین یک شریک تجاری ثروتمند که دارای اقتصادی با فناوری پیشرفته است که می تواند برای موازنه سازی علیه ایران به آن ها کمک شایانی نماید خواهد بود. / توافق اعراب و رژیم صهیونیستی نگرانی های آن ها در خصوص آمریکای بدون ترامپ را رفع خواهد کرد. به این معنا که با وارد شدن رژیم صهیونیستی در مناسبات امنیتی و نظامی و سیاسی با اعراب خلیج فارس، دولت های آمریکا در مواجهه با کشورهای عربی انعطاف بیشتری پیدا خواهند کرد. / این توافق فراتر از موضوع عادی سازی روابط و در واقع یک نوع اعلان تشکیل ائتلاف علیه ایران و گامی مهم برای ایجاد نوعی نظم منطقه ای جدید است که تا چند سال آینده شاهد آن خواهیم بود و کشورهای دیگر همچون عربستان هم بازیگر آن خواهند بود.</p> | <p>بحرین و امارات با رژیم صهیونیستی اگرچه آرایش جدید در موازنه قوای منطقه ای ایجاد خواهد کرد اما به طور هم زمان سطح تنش ها در منطقه به ویژه با ایران را دوچندان خواهد کرد و مسابقه تسلیحاتی سنگینی شکل خواهد گرفت. / هسته این نزدیکی و اتحاد میان اعراب خلیج فارس و رژیم صهیونیستی که البته به نظر من چیز جدیدی نیست به واقع حس نگرانی و تهدید مشترک نسبت به ایران و گامی در جهت پر کردن خلأ در منطقه به دلیل عقب نشینی آمریکا در برخی از بحران های منطقه ای است. / از نظر کشورهای حاشیه خلیج فارس، رژیم صهیونیستی گزینه مناسبی برای جلوگیری از کاهش نقش ایالات متحده در منطقه و همچنین یک شریک تجاری ثروتمند که دارای اقتصادی با فناوری پیشرفته است که می تواند برای موازنه سازی علیه ایران به آن ها کمک شایانی نماید خواهد بود. / توافق اعراب و رژیم صهیونیستی نگرانی های آن ها در خصوص آمریکای بدون ترامپ را رفع خواهد کرد. به این معنا که با وارد شدن رژیم صهیونیستی در مناسبات امنیتی و نظامی و سیاسی با اعراب خلیج فارس، دولت های آمریکا در مواجهه با کشورهای عربی انعطاف بیشتری پیدا خواهند کرد. / این توافق فراتر از موضوع عادی سازی روابط و در واقع یک نوع اعلان تشکیل ائتلاف علیه ایران و گامی مهم برای ایجاد نوعی نظم منطقه ای جدید است که تا چند سال آینده شاهد آن خواهیم بود و کشورهای دیگر همچون عربستان هم بازیگر آن خواهند بود.</p> |
| <p>صلح امارات و بحرین کاتالیزور صلح عربستان و</p>   | <p>صلح امارات و بحرین کاتالیزور صلح عربستان و</p>   | <p>پادشاه بحرین هرگز بدون رضایت سعودی ها اقدامی نمی کند و در حقیقت به نظر می رسد سازش میان بحرین و رژیم صهیونیستی حرکتی نمادین در جهت</p>   |



|                             |   |  |
|-----------------------------|---|--|
| <p>تسهیل در فرایند سازش</p> | <p>صهیونیست‌ها/<br/>فراموشی آرمان<br/>فلسطین / فراموشی<br/>آرمان فلسطین و<br/>شعله‌ور شدن آتش<br/>درگیری‌ها در<br/>غرب آسیا/ آمادگی<br/>اعراب برای<br/>سازش با<br/>صهیونیست‌ها.</p> | <p>گام بلندتر یعنی هموار شدن مسیر عادی‌سازی روابط<br/>ریاض-تل آویو است./ واقعیت این است که قضیه<br/>فلسطین از صدر توجه حاکمان عرب به حاشیه<br/>رانده‌شده و پرداختن به آن در بسیاری از کشورهای<br/>عرب و اسلامی صرفاً در حد شعار و نه عمل بوده<br/>است و بسیاری از آن‌ها درحالی‌که دیگران را به نرمش<br/>در مقابل رژیم صهیونیستی متهم می‌کنند خود به قضیه<br/>فلسطین و فرایند صلح رژیم صهیونیستی و اعراب<br/>صرفاً در چارچوب منافع و مصالح ملی می‌نگرند و از<br/>آن زاویه موضوع را تفسیر و تعبیر می‌نمایند./ با مسیری<br/>که امارات متحده و بحرین در منطقه گشودند فکر<br/>می‌کنم در آینده‌ای نه‌چندان دور کشورهای دیگر<br/>عرب حوزه خلیج‌فارس نیز به صورتی شفاف و<br/>آشکار به برقراری روابط سیاسی با صهیونیست‌ها<br/>مبادرت کنند. این عادی‌سازی در گام نخست به<br/>فراموشی آرمان‌های قدس از سوی آنان منجر خواهد<br/>شد و در گام دوم خلیج‌فارس را یقیناً جولانگاه نظامی-<br/>امنیتی-اقتصادی رژیم صهیونیستی خواهد کرد/ اعراب<br/>آماده سازش بر سر مسئله فلسطین هستند. به نظرم<br/>شفاف‌ترین موضع را وزیر خارجه امارات داشت که<br/>گفت عادی‌سازی روابط نشان می‌دهد ملت‌ها از نزاع<br/>و درگیری خسته شده و به دنبال صلح و ثبات هستند.<br/>توافق با رژیم صهیونیستی به‌مثابه فرصتی برای تعامل با<br/>مسائل مهم منطقه است. امارات و رژیم صهیونیستی و<br/>تمام کشورهای منطقه از درگیری‌ها خسته شده‌اند و<br/>اکنون برقراری روابط خوب میان رژیم صهیونیستی و<br/>کشورهای عربی ضروری شده است.</p> |
|-----------------------------|---|--|

با توجه به اهداف استخراجی در مورد عادی‌سازی روابط اعراب خلیج‌فارس و رژیم صهیونیستی از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد تا راهبردهای موردنظر خود را برای آمادگی جمهوری اسلامی در برابر

تهدیدات امنیتی احتمالی اعلام کنند. با استفاده از ابزارهای موجود، یک محور سه گانه شامل «موازنه میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی، گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و افزایش توان نظامی و قدرت ملی» به‌عنوان راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در قبال این تحولات استخراج شد.

جدول شماره ۴: مضامین اصلی مرتبط با راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران در قبال تهدیدات امنیتی

| مضامین اصلی                          | تعداد کدها |
|--------------------------------------|------------|
| موازنه میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی | ۲۷         |
| افزایش توان نظامی و قدرت ملی         | ۲۴         |
| گسترش همکاری‌های منطقه‌ای            | ۲۰         |
| جمع                                  | ۷۱         |

به نظر می‌رسد محور سه‌گانه‌ی فوق‌خروجی واقع‌بینانه‌ای از شرایطی است که امروزه جمهوری اسلامی ایران با آن در منطقه غرب آسیا روبه‌روست. از سویی سیاست اعلامی، رسمی و عملی جمهوری اسلامی ایران در قبال همسایگان خود مبتنی بر حسن هم‌جواری و دوستی بوده است و از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ هیچ‌گاه همسایگان خود را مورد تعرض قرار نداده و حتی در ایجاد تنش نیز پیش‌قدم نبوده است. آن‌هم در شرایطی که تنها دو سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی رژیم بعثی عراق جنگی هشت‌ساله را به کشور تحمیل کرد که در آن کشورهای عرب حوزه خلیج‌فارس از هیچ کمکی برای ضربه زدن به انقلاب اسلامی نوپا دریغ نکردند. باین‌حال تحت‌فشارهای ایالات‌متحده و تبلیغات رسانه‌های غربی و مرتجع عربی، به‌مرور فضای ناسالمی علیه جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت که می‌خواست آن را جایگزین رژیم صهیونیستی به‌عنوان دیگری هویتی اعراب در منطقه کند. بنابراین به نظر می‌رسد در تدوین هر نوع راهبرد امنیتی توجه هم‌زمان به آرمان و واقعیت، دیپلماسی و میدان و در موقع لزوم آمادگی برای دفاع نظامی از خود موردنیاز است.

جدول شماره ۵: مضامین اصلی استخراجی مرتبط با راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در قبال عادی‌سازی

#### روابط اعراب و رژیم صهیونیستی

| عبارت معنایی   | مفهوم   | تم‌های اصلی |
|--|---|-------------|
| سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال فرایند سازش اعراب خلیج‌فارس و رژیم صهیونیستی باید مبتنی بر نوعی توازن میان آرمان و واقعیت باشد. از سوی نباید از ترس ایجاد دومینو در منطقه و مسابقه کشورها برای | نگاه واقع‌بینانه به تحولات منطقه/ توازن میان اصول و |             |

|   |  |
|---|--|
| <p>موازنه میان واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی</p> | <p>نزدیکی با رژیم صهیونیستی دچار تنش شد و به اقدامات شتاب‌زده له یا علیه این اقدامات دست زد. از سوی دیگر نیز نباید فریب موضع‌گیری‌های تند برخی از کشورهای منطقه نظیر کویت، قطر یا ترکیه در قبال این پروژه خورد و با نگاهی واقع‌بینانه باید با قضیه برخورد کرد. / چه بخواهیم چه نخواهیم پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ برخی از چارچوب‌ها سیاست خارجی ما را شکل داده است. مانند دفاع از مستضعفان، وفاداری به آرمان فلسطین آزاد، خصم عمیق نسبت به رژیم اشغالگر قدس، عدم وابستگی به ابرقدرت‌ها و ... به همین خاطر نباید این مسائل را به تحولات روز ربط داد و با وزیدن یک باد مخالف دست از آن شست. در مقابل نیز باید هوشیار بود و با توجه به سه اصل عزت، حکمت و مصلحت که رهبر انقلاب همواره بر آن تأکید دارند به تدوین سیاست مناسب در قبال عادی‌سازی روابط صهیونیست‌ها با کشورهای منطقه دست زد. / جمهوری اسلامی ایران نه می‌خواهد و نه با توجه به اصول سیاست خارجی انقلاب اسلامی از آرمان‌های فلسطین خود را رها کند. بنابراین ضمن توجه به منافع ملی خود باید به‌طور عادلانه در این قضیه ورود کند و با ابزارهای خود پیامی روشنی به منطقه ارسال کند مبنی بر اینکه این‌گونه پروژه‌ها برای هیچ‌کدام از طرفین افزایش امنیت به دنبال نخواهد داشت. / جمهوری اسلامی ایران ضمن توجه به اصول سیاست خارجی خود باید با احتیاط با این موضوع برخورد کند. به‌طور مشخص به نظر بنده باید سیاستی مبتنی بر بدبینی را اتخاذ کرده و پیش شرط فعالیت‌های خود را مبتنی بر نفاق طرف‌های دیگر قرار دهد. در این مسیر حتی باید به گروه‌هایی همچون تشکیلات خودگردان فلسطین نیز بی‌اعتماد بود زیرا خود شهروندان</p> |
|---|--|

|                                     |  |   |
|-------------------------------------|--|---|
|                                     |  | <p>و برخی از رهبران فلسطینی سالها است که در حال مذاکره و عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی هستند و اکنون نیز برای بقای حاکمیت خود با این فرایند عادی سازی مخالفت می کنند.</p>   |
| <p>گسترش همکاری های منطقه ای</p>    | <p>اتخا—اذ<br/>دیپلماسی<br/>فعال/ ایجاد<br/>نهادهای<br/>منطقه ای<br/>جدید—د/<br/>اعتماد سازی<br/>جمعی</p>                      | <p>جمهوری اسلامی ایران باید باز طریق افزایش تعامل و مشارکت فعال در کلیه سازوکارها و سازمان های منطقه ای با استفاده از دیپلماسی دو و چندجانبه از منزوی سازی و محدود سازی خود جلوگیری کند/ یکی از راههایی که جمهوری اسلامی ایران می تواند در منطقه انجام دهد نهاد سازی منطقه ای است. این کار از طریق ایجاد سازمان ها و سازوکارهای چندجانبه منطقه ای جدید از طریق تعامل و تأثیر گذاری بر سیاست خارجی سایر بازیگران منطقه با به کارگیری فعال دو و چندجانبه امکان پذیر است./ یکی از راهکارهایی که می توان در منطقه استفاده کرد ایجاد اعتماد سازی جمعی است. این کار از راه های گوناگونی قابل انجام است. یکی از این راه ها ایجاد اعتماد سازی جمعی از طریق ایجاد و افزایش اعتماد و اقبال کشورهای منطقه به سازمان ها و سازوکارهای چندجانبه منطقه ای از طریق تعامل و هماهنگی با به کارگیری دیپلماسی شفاف و واقع گرایانه است./</p> |
| <p>افزایش توان نظامی و قدرت ملی</p> | <p>تقویت توان<br/>نظامی ایران در<br/>منطقه/ ایجاد<br/>ائتلاف های<br/>منطقه ای در<br/>برابر رژیم<br/>صهیونیستی/<br/>توجه به</p> | <p>شما وقتی در منطقه ای آشوب زده ای مثل غرب آسیا زندگی می کنید خواه ناخواه باید راهبردهای واقع بینانه را پیش بگیرید. به نظر من یکی از مهم ترین راهبردهای ایران در قبال صلح اعراب و رژیم صهیونیستی تقویت نیروی نظامی و افزایش حضور منطقه ای ایران است./ مهم ترین هدف اعراب و رژیم صهیونیستی از فرایند سازش و عادی سازی روابط همان طور که خودشان گفته اند تضعیف جمهوری اسلامی ایران و ایجاد کمربند</p>  |

|  |   |
|--|---|
| راهبردهای نظامی در تئودین راهبردهای سیاست خارجی. | امنیتی برای محاصره کشور ماست. بنابراین ما نیز باید تا جایی که ابزار، امکانات و منافع ملی حکم می‌کند به ائتلاف‌سازی متقابل در منطقه دست بزنیم و محور مقاومت را تقویت کنیم. با این کار حداقل توازن نسبی را می‌توان در میدان عمل برقرار کرد و پیام روشنی به طرف مقابل داد. یکی از مسائلی که در کشور ما متأسفانه زیاد اتفاق می‌افتد گره زدن راهبردهای نظامی به مسائل سیاسی و درگیری‌های داخلی است. در تحلیل‌های پیرامون سازش اعراب و رژیم صهیونیستی نیز ردپای این مسائل زیاد به چشم می‌خورد. اما باید توجه داشت توجه به راهبردهای نظامی حتماً باید در تمام سیاست‌سازی‌ها پیرامون منطقه خلیج فارس باشد و چشم‌پوشی از این اهرم تنها به ساده‌سازی مسئله می‌انجامد. |
|--|---|

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این مقاله تلاش شد تا با ترسیم مختصات عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و کشورهای عرب خلیج فارس، اهداف آن شناسایی و تأثیرات چنین روابطی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد واکاوی قرار بگیرد. همچنین در مصاحبه با متخصصان حوزه غرب آسیا و مطالعات منطقه‌ای راهبردهای مطلوب جمهوری اسلامی ایران برای کنشگری در منطقه‌ی خلیج فارس گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به‌طورکلی با جمع‌بندی نظر نخبگان و داده‌های مطالعاتی پژوهش مشخص شد که کشورهای عربی منطقه و رژیم صهیونیستی در هراس از قدرت‌یابی و گسترش نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، اقدام به نزدیکی مواضع کرده و هسته‌ی اصلی فرایند سازش خود را مقابله با آنچه تهدیدات امنیتی جمهوری اسلامی ایران می‌خوانند قرار داده‌اند.

یکی دیگر از محورهای پژوهش تبیین این نکته بود که اگرچه در ظاهر، کشورها در فرایند ائتلاف-سازی خود قدرت ملی و امنیت خود را افزایش می‌دهند اما آنچه که در واقعیت و میدان عمل به وقوع می‌پیوندد چرخه‌ای معیوب از روابط است که نوعی شکنندگی و کاهش اقتدار و امنیت را به دنبال دارد. نکته فوق به‌خوبی بر آنچه امروز در منطقه غرب آسیا شاهد آن هستیم، مطابقت دارد و عادی‌سازی

روابط برخی از کشورهای عرب منطقه با رژیم صهیونیستی نه تنها باعث کاهش اختلافات نشده بلکه به دلیل مخالفت شدید افکار عمومی جهان اسلام و سیطره ذهنیت خیانت به آرمان فلسطین آتش اختلافات را شعله‌ورتر کرده و در صورت ادامه روند فوق امکان تحولات خشونت‌آمیز دور از ذهن نیست. بنابراین به نظر می‌رسد راه‌حل ایجاد امنیت در منطقه نه از راه ارائه امتیازات گوناگون به رژیم صهیونیستی و خارج کردن آن از انزوای سیاسی بلکه آن چیزی است که بنا بر فرمایشات مقام معظم رهبری «منفعت کل کشورهای منطقه باشد» و همان‌گونه که ایشان بارها اعلام کرده‌اند «خلیج فارس ناامن، برای همه ناامن خواهد بود». باین حال با توجه به ادامه عناد و دشمنی برخی از کشورهای منطقه و اصرار بر دشمنی-انگاری‌های خود، پیشنهادها و پژوهش حاضر برای اتخاذ راهبرد مناسب جمهوری اسلامی ایران در جهت تأمین منافع ملی در مواجهه با عادی‌سازی روابط اعراب خلیج فارس و رژیم صهیونیستی به صورت ذیل خواهد بود:

#### جدول شماره ۶: راهبردهای اولویت‌دار و راهکارهای اجرایی پیشنهادی پژوهش

| راهبردهای اولویت‌دار         | راهکارهای اجرایی   |
|------------------------------|--|
| افزایش توان نظامی و قدرت ملی | <ul style="list-style-type: none"> <li>* توسعه و ارتقای زیرساخت‌های نظامی-امنیتی مبتنی بر ایده‌های نو و افزایش سرمایه‌گذاری در صنایع دفاعی</li> <li>* استفاده بهینه از تولیدات نظامی داخلی دانش‌بنیان</li> <li>* افزایش کیفیت محصولات نظامی داخلی و تلاش برای حضور در بازارهای بین‌المللی</li> <li>* ادامه پابندی به سیاست‌های دفاعی و دوری‌گزینی از رویکردهای تهاجمی</li> <li>* توجه به تحولات نظامی بین‌المللی و تلاش برای استفاده مطلوب و مهندسی معکوس تولیدات روز نظامی</li> </ul> |
| گسترش همکاری‌های منطقه‌ای    | <ul style="list-style-type: none"> <li>* حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات منطقه‌ای</li> <li>* تلاش دیپلماتیک در جهت ایجاد اجماع منطقه‌ای همسو با منافع جمهوری اسلامی ایران</li> <li>* خشی‌سازی فشارهای سیاسی علیه جمهوری اسلامی ایران از طریق تعامل سازنده و مؤثر در چارچوب</li> </ul>  |

|   |   |
|---|---|
| <p>سازوکارهای موجود منطقه‌ای<br/>         *متنوع سازی اهداف منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای سیاست<br/>         خارجی جمهوری اسلامی ایران.</p>   |   |
| <p>*ترکیب اعضا از میان نظامیان، دیپلمات‌ها و متخصصین<br/>         سیاست‌گذاری امنیتی انتخاب شود.<br/>         *توازن میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی مرتبط با اصول<br/>         سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تصمیمات<br/>         این نهاد رعایت شود.<br/>         *لزوم اولویت منافع ملی بر موضع‌گیری‌های سیاسی در<br/>         تصمیمات نهاد.<br/>         *لازم‌الاجرا بودن مصوبات این نهاد برای تمامی نهادهای<br/>         پایین‌دستی مرتبط با منطقه غرب آسیا اعم از دیپلماتیک<br/>         و نظامی.</p> | <p>تأسیس نهاد فرادستی سیاست‌سازی منطقه غرب آسیا</p> |

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۵). «تهدید غرب؛ برداشت‌های متعارض»، فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، تابستان، شماره ۲، صص ۲۵-۵۵.

- Braun, V. & Clarke, V. (2006), using thematic analysis in psychology, *Qualitative Research in Psychology*, 3, 77-101.
- Halbfinger, D. M. (2020). Netanyahu Drops Troubled Annexation Plan for Diplomatic Gain, the New York Times. August 13, at: <https://www.nytimes.com/2020/08/13/world/middleeast/israel-uae-annexation.html>
- Jones, Clive, Guzansky, Yoel (2020), *Fraternal Enemies: Israel and the Gulf Monarchies*, Oxford University Press.
- Morris, Benny (2001). *Righteous victims: a history of the Zionist-Arab conflict, 1881–2001* (1st Vintage Books Ed.). New York: Vintage Books.
- Rodriguez, Daisy (2021), *the Balance Theory*, Daisy Rodriguez Books.
- Sagar, Rahul , Sabl, Andrew (2018), *Realism in Political Theory*, Routledge.
- Smith, Charles D. (2004), *Palestine and the Arab Israeli Conflict: A History with Documents*. Bedford/St. Martin's: Boston.
- Time to Test the Arab Peace Offer Archived 17 January 2009 at the Wayback Machine, By Scott MacLeod, Time. 8 January 2009.
- The Saban Forum (2017). *America First and the Middle East: A Keynote Conversation with Jared Kushner*. The Brookings Institution, December 3.
- Walt, Stephen M. (2010), *Balancing Threat: The United States and the Middle East*, an Interview with Stephen M. Walt, *Yale Journal of International Affairs*, Spring/Summer.
- Walt, Stephen M. (1987), *The Origins of Alliances*, Ithaca, NY: Cornell University Press.
- " Why Arab-Israel Peacemaking Impossible?", New York: Middle East News, 2019.